

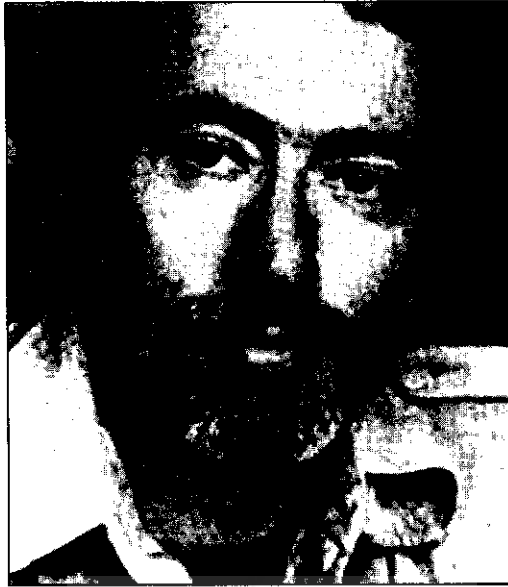
کوئسیا، برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۳

مینو مشیری

۲۵۲

هموطنان بدبین ما که دل خوش دارند نویسندگان معاصر ایران خالقِ ممتازترین ادبیات گیتی‌اند، هر سال جایزه نوبل ادبیات را توطئه‌ای ادبی، سیاسی و جهانی بر علیه کشور و ملت ما می‌پندارند! بهر حال امسال نیز این «توطئه» پس از ۱۲ سال بار دیگر نصیب نویسنده‌ای از آفریقای جنوبی شد.

نادین گوردیمر در سال ۱۹۹۱ و جان مکسول کوئسیا (JOHN MAXWELL COETZEE) امسال در ۲۰۰۳ برنده این جایزه گشتند. با این که هر دو نویسنده سفیدپوست و مخالف با سیستم سفاکِ جدایی نژادی آپارتهاید بودند که سرانجام سرنگون شد، اما در این که یک نویسنده چگونه باید در این باره بنویسد عقایدی مختلف داشتند. گوردیمر عقیده به نفوذ و قدرت رمان سیاسی حکومت برانداز داشت و می‌گفت متصور شدن یک انقلاب می‌تواند کمک به وقوع آن کند. کوئسیا اما در پیروی از سنت نویسندگان اروپایی چون داستایوفسکی و کافکا قالب رمان را زیر سؤال برد که آیا می‌تواند طبقی موثر و کارآمد برای اظهارنظر درباره رخدادهای جاری و سیاسی باشد؟ او در یکی از نادر مصاحبه‌هایی که با آسوشیتد پرس داشت گفت: «من باور ندارم که رمان موثرترین قالب برای مداخله در امور جاری و سیاسی باشد. نوشتن یک رمان زمان زیادی می‌طلبد. منتشر کردن یک رمان خیلی طول می‌کشد. تعداد خواننده یک رمان اندک است. رمان آن درگیری مستقیم با واقعیت سیاسی را که روزنامه‌ها دارند، ندارد.»



● جان مکسول کوتسیا برنده نوبل ادبیات ۲۰۰۳

صاحب‌نظران کوتسیا را «یک شکاک بسیار دقیق» می‌نامند که «بی‌رحمانه از منطقی سفاک و اصول اخلاقی سطحی و بزک کرده تمدن غرب انتقاد می‌کند».

آکادمی سوئد ویژگی آثار کوتسیا را که شامل رمانهای «رسوایی»، «در انتظار وحشی‌ها» و «عصر آهن» می‌شود «ساختار استادانه، دیالوگهای پُر معنا و بینش تحلیلی درخشان» می‌خواند.

کوتسیا که ۶۳ سال دارد در حال حاضر استاد میهمان در دانشگاه شیکاگو است و پس از شنیدن خبر برنده شدنش گفت: «من کاملاً غافلگیر شدم. ساعت ۶ صبح تلفنی این خبر را از استکهلم به من دادند. حتی مطلع نبودم که قرار است چنین اعلامی بشود.» اما او در چند سال اخیر بارها نامش نامزد دریافت این جایزه شده بود. کوتسیا در حال حاضر نوشتن «رمان نو» را تجربه می‌کند و در عین حال کتاب ترجمه‌ای نیز از شاعران هلندی در دست دارد.

جایزه کوتسیا ۱/۳ میلیون دلار است. ناشرش در آمریکا «وایکینگ پنگوئین» در نظر دارد تیراژ ۳۳/۰۰۰ نسخه‌ای رمان جدید او را به نام «الیزابت کاستلو» دو برابر کند.

نادین گوردیمر در مصاحبه‌ای با آسوشیتد پرس گفت: «او همکار و دوست منست و این فوق‌العاده است که جایزه نوبل بار دیگر به آفریقا آمد.» زمانی که گوردیمر جایزه نوبل را برد، آپارتهاید هنوز سیاست روز در آفریقای جنوبی بود و رئیس جمهور وقت، آقای دوکلارک، هرگز به او تبریک نگفت. اما این بار پرزیدنت میکی (Mbeki) بی‌درنگ تحسین و ستایش ملت آفریقای

جنوبی و قاره آفریقا را در بیان‌های رسمی اظهار کرد. کوتسیبو ۸ رمان به علاوه رساله‌ها و مانیفست‌های بی‌شماری نوشته است و به موضوع‌های مختلفی از راگیبی گرفته تا سانسور پرداخته است. او تنها نویسنده‌ای است که ۲ بار برندهٔ جایزهٔ معتبر «بوکر» شده است. بار اول در سال ۱۹۸۳ برای رمان «زندگی و زمانهٔ مایکل ک.» و بار دوم در سال ۱۹۹۹ برای رمان «رسوایی» کتاب پرفروشی که فقط در ایالات متحده ۲۰۰/۰۰۰ نسخه از آن فروش رفت.

آخرین رمانش «الیزابت کاستلو» داستان یک نویسندهٔ زن استرالیایی است که از زندگی اجتماعی گریزان می‌شود. از عجایب روزگار اینکه رمان با اهدای یک جایزهٔ معتبر ادبی به کاستلو آغاز می‌شود. و کاستلو با پسرش درد دل می‌کند و می‌گوید: «من دلیلی برای این تشریفات گشوده نمی‌بینم. بهتر بود به آنها می‌گفتم مراسم را فراموش کنند و چک را با پست برایم بفرستند.»

کوتسیبا مرد گوشه‌گیر و آرامی است و به ندرت با رسانه‌های گروهی ارتباط دارد و اگر لازم باشد ترجیح می‌دهد از طریق پست الکترونیکی یا همان e-mail باشد. او برای دریافت ۲ جایزهٔ «بوکر» شخصاً به لندن نرفت و پس از اعلام برنده شدن امسالش نیز حاضر به مصاحبه با خبرنگاران نشد. منتقدان سبک پاکیزه و جمع و جورش را نمایانگر نحوهٔ زندگی پارسایانهٔ او می‌دانند: کوتسیبا گیاه‌خوار است، عاشق دوچرخه‌سواری است و لب به الکل نمی‌زند. منتقدان کوتسیبا را وارث برحق کافکا می‌خوانند و آثارش را شبیه به آثار نویسندهٔ اگزستانسیالیست قرن بیستم چک می‌دانند.

در سال ۱۹۹۰ در مصاحبه‌ای با آسوشیتد پرس، کوتسیبا روی پله‌های سالن ورودی هتلی در نیویورک نشست، به دقت به سئوالاتی که از او می‌شد گوش داد و سپس بعد از چندین و چند ثانیه تفکر با جملاتی کامل و فصیح به سئوالات خبرنگار پاسخ گفت.

کتابهای کوتسیبا حجیم نیستند و اغلب کمتر از ۳۰۰ صفحه هستند، اما در عوض پُرمایه و محتوایند. در رمانهای «زندگی و زمانهٔ مایکل ک.» و «در انتظار وحشی‌ها» و سایر رمانهایش از مردان و زنانی می‌نویسد که با تاریخ دست و پنجه نرم می‌کنند. او می‌گوید: «تاریخ ما به گونه‌ایست که بناگاه مردم عادی باید تصمیمات حاد و مهمی بگیرند. ولی آنها به چنین موقعیت‌هایی عادت ندارند. من تصور می‌کنم در ۴۰ سال گذشته آفریقای جنوبی کشوری بوده که مردمانش با دیون اخلاقی عظیمی روبرو بوده‌اند.»

کوتسیبا که پسر یک دامدار است در سال ۱۹۴۰ در کیپ تاون (CAPE TOWN) متولد شد اما پس از تیراندازی پلیس در سال ۱۹۶۰ در «شارپ ویل» به تظاهرات مردمی که ۷۰ کشته به جای گذارد به مدت ده سال آفریقای جنوبی را ترک گفت. او کوتاه مدت در انگلستان برنامه‌نویس

شرکت آی. بی. ام. بود و سپس به آمریکا رفت و در سال ۱۹۶۹ دکترای کامپیوتر از دانشگاه تگزاس در «آستین» دریافت کرد. کوتسیا در سال ۲۰۰۲ به استرالیا مهاجرت کرد و استاد پژوهشگر افتخاری در دانشگاه آدلاید است.

یکی از درونمایه‌های اساسی رمانهای کوتسیا ارزشها و رفتارهای حاصله از سیستم حکومتی آپارتهاید در آفریقا است که عقیده دارد در هر کجای جهان می‌تواند به وقوع بپیوندد. نخستین رمانش «سرزمینهای برزخی» در سال ۱۹۷۴ منتشر شد. آثار دیگر او شامل رمانهای «دشمن» و «اریاب پترزبورگ» و دو کتاب خاطرات هستند که دو کتاب خاطرات به ضمیر سوم شخص نگاشته شده‌اند و عنوان‌های «ایام نوجوانی» و «ایام شباب» را دارند. کوتسیا در این رمانها دوران کودکی‌اش را در آفریقای جنوبی «آغازی بد و منفی» می‌خواند و می‌نویسد: «اگر فردا یک موج عظیم از اقیانوس آتلانتیک دماغه جنوبی قاره آفریقا را با خود ببرد، او اشکی نخواهد فشاند.»

منابع: آسوشیتد پرس

نیویورک تایمز

آژانس فرانس پرس

